مختصری از فقه روزه

**گردآورنده:
عبدالله توحیدی**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:**  | مختصری از فقه روزه |
| **گردآورنده:** | عبدالله توحیدی |
| **موضوع:** | احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | تیر (سرطان) 1395 شمسی، شوال 1437 هجری |
| **منبع:**  | IslamTape.com |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمه 1](#_Toc449280906)

[فضیلت روزه 3](#_Toc449280907)

[حکم روزه‌ی ماه رمضان 4](#_Toc449280908)

[روزه‌ی ماه رمضان بر چه کسانی فرض است 4](#_Toc449280909)

[راه اثبات ماه رمضان 5](#_Toc449280910)

[ارکان روزه 5](#_Toc449280911)

[آداب روزه 6](#_Toc449280912)

[دعای هنگام افطار 8](#_Toc449280913)

[فضیلت مهمانی کردن انسان روزه‌دار 8](#_Toc449280914)

[حکم روزه‌ی پیرمرد و پیرزن و مریض همیشگی 9](#_Toc449280915)

[حکم روزه‌ی زن حامله و شیرده 9](#_Toc449280916)

[مقدار طعامی که به عنوان فدیه لازم است به مساکین داده شود 11](#_Toc449280917)

[باطل کننده‌های روزه 11](#_Toc449280918)

[اعمال مباحی که روزه را باطل نمی‌کند 13](#_Toc449280919)

[روزه سنت 14](#_Toc449280920)

[روزهایی که روزه‌گرفتن در آن نهی شده است 17](#_Toc449280921)

[قضای روزه 18](#_Toc449280922)

[زکات فطر (سرفطره) 19](#_Toc449280923)

[منابع 23](#_Toc449280924)

مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مُضلَّ له، ومن يُضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ١٠٢﴾ [آل عمران: 102].

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا١﴾ [النساء: 1].

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا٧١﴾ [الأحزاب: 70-71].

أما بعد:

فإن أصدَقَ الحديثِ كتابُ الله، وخيرَ الهدي هدي محمدٍ ج، وشرَّ الأمورِ محدثاتها، وكلَّ محدثَةٍ بدعة، وكُلَّ بدعةٍ ضلالة، وكلَّ ضلالةٍ في النار.

روزه در ادیان قبل از اسلام هم وجود داشته، البته روزه‌ی آن‌ها یک ماه کامل نبوده و با آمدن اسلام به عنوان یکی از ارکان اسلام قرار گرفت و در سال دوم هجری روزه ماه رمضان واجب شد و احکام آن توسط خدا و رسولش ج بیان شده تا مسلمانان آن را فراگیرند. و از معدود احکامی است که در قرآن تقریباً به طور کامل به آن اشاره شده و رسول الله ج وظیفه شرح و تبیین احکام را بر عهده داشته که به عنوان سنت نسل به نسل به ما رسیده؛ و هر قولی که از یاران رسول الله ج به ما می‌رسد اگر از طرف بعضی دیگر از آن‌ها مورد مخالفت قرار نگرفته باشد، حکم اجماع را دارد که بعد از قرآن و سنت یکی دیگر از منابع تشریع است و گفته‌ی هر شخص دیگری که با قرآن و سنت در تضاد باشد، از نظر اهل علم مورد قبول نیست چون اصل در عبادت، توقیفی بودن است و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون دلیل چیزی به دین کم یا زیاد کند.

و آنچه که در این جزوه بیان شده بر همین مبنا قرار گرفته است وسعی شده از قرآن و حدیث صحیح که محدثین صحت آنها را تایید کرده‌اند و قول مجتهدینی که با قرآن وحدیث در تضاد نیست استفاده شود.

و سعی نموده‌ام برای طولانی نشدن مطالب تمام احادیث برای هر مورد را ذکرنکنم و همچنین عبارت عربی احادیث ذکر نشود که انشاءالله مورد استفاده عموم مسلمین حق طلب قرار گیرد.

فضیلت روزه

از ابو هریرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «خداوندﻷ می‌فرماید: «هر کاری که انسان انجام می‌دهد برای خود اوست، مگر روزه که برای من است و من پاداش آن را می‌دهم.» و روزه سپر است، پس هرگاه کسی از شما روزه بود، سخن زشت نگوید و دشمنی نکند واعمال جاهلانه را انجام ندهد و اگر کسی به او دشنام داد یا با او دعوا کرد دوبار بگوید من روزه هستم، قسم به ذاتی که جانم در دست اوست بوی دهان روزه دار نزد خداوند ازبوی مُشک بهتر است وشخص روزه‌دار دوبار خوشحال می‌شود، یکی زمانی که افطار می‌کند و دیگری زمانی است که در قیامت پروردگارش را ملاقات می‌کند.»[[1]](#footnote-1)

ابوهریرهس می‌فرماید: رسول الله ج فرمودند: «کسی که از روی ایمان و به امید کسب اجر و پاداش، ماه رمضان را روزه بگیرد گناهان (صغیره‌ی) گذشته‌ی او بخشیده می‌شود.»[[2]](#footnote-2)

ابوهریرهس می‌فرماید: رسول الله ج فرمودند: «نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه‌ی دیگر و روزه‌ی ماه رمضان تا رمضان دیگر همگی کفاره‌ی گناهان (صغیره)هستند، اگر از گناهان کبیره دوری شود.»[[3]](#footnote-3)

از سهل بن سعدس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «دربهشت دروازه‌ای است که به آن ریّان گفته می‌شود و فقط روزه‌داران از آن دروازه داخل بهشت می‌شوند.»[[4]](#footnote-4)

حکم روزه‌ی ماه رمضان

روزه‌ی ماه رمضان یکی از ارکان و فرائض اسلام است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ١٨٣﴾ [البقرة: 183] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر شما روزه واجب شده است همان‌گونه که بر امت‌های پیش از شما واجب بوده، امید است که پرهیزگارشوید».

اجماع امت بر این است که روزه‌ی ماه رمضان، فرض و یکی از ارکان اسلام و ضروریات دین است و کسی که فرضیت آن را انکار کند، کافر و مرتد است.

روزه‌ی ماه رمضان بر چه کسانی فرض است

روزه‌ی ماه رمضان بر هر شخص مسلمان عاقل، بالغ، سالم از بیماری و مقیم فرض است و زن باید از حیض ونفاس پاک باشد. دلیل فرض نبودن آن بر بیمار و مسافر، فرموده‌ی خداوندﻷ است که می‌فرماید: ﴿فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۚ﴾ [البقرة: 184] «و کسانی از شما که بیمار و مسافر بودند (روزه نگرفتند به اندازه آن روزها) چند روزدیگری را روزه گیرند.» و دلیل فرض نبودن آن بر غیر عاقل و نابالغ، حدیث عایشهل است که می‌فرماید: رسول الله ج فرمودند: «تکلیف از سه دسته برداشته شده است: از دیوانه تا هوشیار شود و از به خواب رفته تا بیدار شود واز کودک تا بالغ شود.»[[5]](#footnote-5)

اگر بیمار و مسافر با گرفتن روزه دچار مشقت نشوند، می‌توانند روزه باشند و در غیر این صورت بهتر است روزه نگیرند.

راه اثبات ماه رمضان

با رؤیت هلال ماه رمضان، روزه فرض می‌شود؛ درحدیث آمده است: «ماه رمضان با رؤیت ماه از طرف یک نفر مسلمان و در صورت ابری بودن آسمان با کامل کردن سی روز ماه شعبان ثابت می‌شود و عید فطر با رؤیت ماه از طرف دو نفرمسلمان و اگرآسمان ابری بود با کامل کردن سی روز ماه رمضان ثابت می‌شود.»[[6]](#footnote-6)

دیدن هلال ماه در تمام کشورها و مناطقی که به هم نزدیک وهم افق هستند برای یکدیگر حجت است، که این قول بعضی از شافعی‌ها و حنفی‌ها و مالکی‌ها و قول شیخ الاسلام ابن تیمیه است.

ارکان روزه

1. نیت: امام عمرس می‌فرماید: رسول الله ج فرمودند: «همانا پذیرش و پاداش هر عمل بستگی به نیت آن دارد»[[7]](#footnote-7).

نیت روزه‌ی رمضان باید قبل از طلوع فجر(اذان صبح) باشد، حفصهل روایت می‌کند که رسول الله ج فرمودند: «کسی که قبل ازطلوع فجر، نیت روزه نکند روزه‌اش صحیح نیست.»[[8]](#footnote-8)

البته این برای روزه‌ی فرض است، اما در روزه‌ی سنت، می‌توان بعد از طلوع فجرهم نیت بیاوریم، به شرطی که بعد از اذان چیزی نخورده باشیم.**[[9]](#footnote-9)**

اگر شخص، فهمید فردا رمضان است و خواست روزه باشد این برای او نیت محسوب می‌شود و اگر شخصی برای سحری خوردن بیدار شد به قصد این‌که روزه بگیرد این هم نیت است و تلفظ کردن وگفتن نیت با زبان از رسول الله ج ثابت نشده و بدعت محسوب می‌شود. امام نووی/ می‌فرماید: روزه صحیح نیست مگر با نیت و محل وجایگاه نیت، قلب است.[[10]](#footnote-10)

1. خودداری (امساک): از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند، از طلوع فجر تا غروب خورشید.

آداب روزه

برای روزه دار مستحب است این آداب را رعایت کند:

1. سحری خوردن: عبدالله بن عمرب می‌فرماید: رسول الله ج فرمودند: «سحری کنید اگرچه با جرعه‌ای آب باشد.»[[11]](#footnote-11)

انس بن مالکس می‌فرماید: رسول الله ج فرمودند: «سحری کنید همانا در سحری کردن خیر وبرکت وجود دارد.»**[[12]](#footnote-12)**

ابوهریرهس می‌فرماید: رسول الله ج فرمودند: «بهترین سحری انسان مؤمن، خرما است.»[[13]](#footnote-13)

 عمروبن العاصس می‌فرماید: همانا رسول الله ج فرمودند: «فصل و تفاوت بین روزه‌ی ما و روزه‌ی اهل کتاب در سحری خوردن است.»[[14]](#footnote-14)

اگر کسی کاسه‌ای یا لیوانی در دست داشت و مشغول خوردن آب یا غذا بود و صدای اذان صبح را شنید، می‌تواند آن را تمام نماید. از ابوهریرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «اگر یکی از شما ظرف آب را در دست داشت و اذان صبح را شنید، تا نیازش را از آن برطرف نکرده، ظرف را نگذارد.»[[15]](#footnote-15)

1. پرهیز از سخنان بیهوده ودشنام دادن: از ابوهریرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «کسی که از گفتار باطل و عمل کردن به آن دست بر ندارد، خداوند هیچ نیازی به خودداری او از خوردن و آشامیدن ندارد و انسان روزه‌دار باید ناسزا نگوید و داد و فریاد نکشد و از اعمال جاهلانه پرهیز کند.»[[16]](#footnote-16)
2. سخاوت و تلاوت قرآن: ابن عباسب می‌فرماید: «رسول الله ج سخاوتمندترین مردم از لحاظ خیر بود و در ماه رمضان وقتی جبرئیل او را ملاقات می‌کرد، بیشتر سخاوتمند می‌شد و در بخشش همچون باد وزیدن می‌گرفت و جبرئیل هرشب با او ملاقات می‌کرد و رسول الله ج قرآن را بر او می‌خواند.»[[17]](#footnote-17)
3. عجله در افطار کردن: از سهل بن سعدس روایت است که رسول الله فرمودند: «تا زمانی که مردم در افطار کردن عجله کنند در خیر و خوبی‌اند.»[[18]](#footnote-18)

دعای هنگام افطار

ابن عمرب می‌فرماید: رسول الله ج وقتی می‌خواست افطار کند، این دعا را می‌خواند: «ذَهَبَ الظَمَأُ وابتَلَتِ الْعُروقُ وَثَبَتَ الْأجْرُإنْ شاءَالّله»**[[19]](#footnote-19)**: «تشنگی برطرف شد و رگ‌ها تر و خیس شدند و ان شاءالله اجر و پاداش ثابت شد.» این تنها حدیث صحیحی است که در این باب آمده است.

از انس بن مالکس روایت است که رسول الله ج ابتدا با چند خرمای رطب (تازه) افطار می‌کردند و اگر خرمای رطب نبود با چند خرمای خشک و اگر آن هم نبود چند جرعه آب می‌نوشید.[[20]](#footnote-20)

فضیلت مهمانی کردن انسان روزه‌دار

از زید بن خالد جهنیس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «هرکسی که انسان روزه‌داری را افطاری دهد، به اندازه‌ی شخص روزه‌دار، اجر و پاداش می‌برد، بدون آن‌که از اجر روزه‌دار چیزی کم شود.»**[[21]](#footnote-21)**

دعای روزه دار بعد از افطار کردن در خانه‌ی کسی: انس بن مالکس می‌فرماید: رسول الله ج نزد سعد بن عباده س افطار کردند و بعد ازغذا فرمودند: «أفْطَرَ عِنْدَكُمُ الصَّائِمُوْنَ، وَأَكَلَ طَعَامَكُمْ الأَبْرَارُ، وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ المَلاَئِكَةُ»:**[[22]](#footnote-22)**

«روزه‌داران نزد شما افطار کنند و نیکان غذای‌تان را بخورند و فرشتگان بر شما درود فرستند.»

حکم روزه‌ی پیرمرد و پیرزن و مریض همیشگی

کسی که به دلیل پیری نمی‌تواند روزه بگیرد یا شخصی که مریض همیشگی است و امید بهبودی ندارد، می‌توانند روزه نگیرند اما باید به ازای هر روز که روزه نگرفته‌اند، مسکینی را یک وعده طعام دهند. به دلیل فرموده خداوند متعال: ﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖ﴾ [البقرة:184] «وبرکسانی که توانایی انجام آن (روزه) را ندارند (همچون کهنسالان ناتوان و بیماران همیشگی) لازم است فدیه بدهند و آن خوراک مسکینی است».

ازعطاءس روایت است که از ابن عباسب شنیدم که آیه‌ی: ﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖ﴾ [البقرة: 184] را می‌خواند و می‌فرمود: این آیه منسوخ نیست، بلکه درباره‌ی پیرمرد و پیرزنی است که توانایی روزه گرفتن را ندارند و برای هر روز مسکینی را طعام دهند.[[23]](#footnote-23)

البته در مورد بیمار همیشگی باید گفت درصورتی این حکم شامل او می‌شود که دکتر متعهد و مطمئن تشخیص دهد که روزه برایش ضرر دارد و دیگر نمی‌تواند برای همیشه روزه بگیرد.

حکم روزه‌ی زن حامله و شیرده

این دو مورد هم می‌توانند روزه نگیرند اگر (بر حال خود یا بچه) بیم داشته باشند و باید فدیه بدهند و قضای روزه هم بر آن‌ها لازم نیست. از ابن عباسب روایت است که حکم آیه‌ی: ﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖ﴾ [البقرة: 184] برای پیرمرد و پیرزن و زن حامله و شیرده همچنان باقی است، پس زن حامله و شیرده‌ای که (برحال خود یا بچه) بیم دارند، می‌توانند روزه نگیرند وبه ازای هر روز یک مسکین را طعام دهند.[[24]](#footnote-24)

از نافعس روایت است: یکی از دختران ابن عمرب که همسر مردی قریشی بود در زمان حاملگی در ماه رمضان دچار تشنگی شد و ابن عمرب به او دستور داد تا روزه‌اش را بشکند و به ازای هر روز مسکینی را طعام دهد.[[25]](#footnote-25)

از ابن عباسب روایت شده که کنیزش را دید که حامله یا شیرده بود، پس فرمود: تو بمنزله‌ی کسی هستی (درروایتی مانند شخص کهن سالی هستی) که توان (روزه گرفتن) نداری پس بر تو لازم است به جای هر روز روزه، طعام مسکینی را بدهی و قضای روزه بر تو واجب نیست.[[26]](#footnote-26)

از ابن عمرب روایت است که زنی از او سؤال کرد در مورد روزه گرفتن در حالی که حامله بود و ابن عمرب به او فرمود: روزه‌ات را بشکن و به ازای هر روزمسکینی را طعام بده و قضای روزه بر تو لازم نیست.[[27]](#footnote-27)

و این قول ابن عباس و ابن عمر و سعید بن جبیرش است و صحابه با آن مخالفتی نکرده‌اند و نیزمذهب اسحاق بن راهویه و اختیار محدثین است. ودر اصطلاح اگر روایتی از تعدادی اصحاب نقل شود و بقیه صحابه با آن مخالفت نکنند، حکم اجماع را دارد.

مقدار طعامی که به عنوان فدیه لازم است به مساکین داده شود

از انس بن مالکس روایت است: ایشان سالی دچار ضعف وسستی شدند و نتوانستند روزه بگیرند پس کاسه‌ای ترید گوشت درست کرد و سی نفر مسکین را دعوت و آن‌ها را سیر کردند.[[28]](#footnote-28)

و این یک وعده غذا به یک مد (600 گرم یا به قولی 625 گرم) غذای غالب آن منطقه نیز تعبیر شده است. یعنی شخص می‌تواند به ازای هر روز که روزه نگرفته (625 گرم) طعام غالب به مسکین بدهد و دادن قیمت (پول) به جای طعام جایز نیست؛ چون نص صراحتاً بر دادن طعام دلالت دارد.

باطل کننده‌های روزه

1. خوردن وآشامیدن: اگر از روی فراموشی باشد روزه باطل نمی‌شود و نه قضای روزه بر او لازم است و نه کفاره.

از ابوهریرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «وقتی که انسان فراموش نمود که روزه است چیزی را نوشید یا خورد، باید به روزه‌اش ادامه دهد و این آب وغذایی است که خداوند به او بخشیده است.»**[[29]](#footnote-29)**

اما اگر خوردن عمدی باشد و شخص هیچ کدام از حالات رخصت شرعی (بیمار- مسافر- کهن سالی و...) را نداشته باشد و بدون دلیل شرعی روزه‌ی خود را با خوردن وآشامیدن بشکند، روزه‌ی این شخص باطل است وقضا وکفاره هم ندارد. و باید توبه کند و دیگر مرتکب این عمل نشود. از ابوهریرهس و عبدالله بن مسعودس روایت شده که فرموده‌اند: اگر کسی روزه‌ی یک روز از ماه رمضان را بدون عذر و رخصت شرعی بشکند اگر تمام سال را هم روزه باشد آن را جبران نمی‌کند.[[30]](#footnote-30)

و در نصوص هم دلیلی برقضای روزه‌ی کسی که عمداً روزه‌اش را با خوردن وآشامیدن می‌شکند، وجود ندارد. و ابن حزم / نیز این قول را ترجیح می‌دهد.[[31]](#footnote-31)

1. استفراغ: از ابوهریرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «اگراستفراغ عمدی باشد روزه‌اش باطل و باید روزه را قضا کند و اگر غیر عمدی و خود به‌خود باشد روزه‌اش باطل نشده وقضای روزه بر او لازم نیست.»**[[32]](#footnote-32)**
2. حیض و نفاس: اگرچه در آخرین لحظات روز باشد، به دلیل اجماع علما.
3. جماع: اگر از روی فراموشی باشد روزه باطل نمی‌شود و کفاره‌ای هم ندارد اما اگرعمداً باشد روزه را باطل و کفاره آن واجب می‌شود که عبارت است از: آزاد کردن برده‌ای، اگر برایش مقدور نبود گرفتن دو ماه پشت سر هم روزه و اگر توانایی هیچ کدام از این‌ها را نداشت باید به شصت مسکین طعام دهد و این کفاره فقط برمرد واجب است.
4. نیت شکستن روزه: اگر شخص نیت کند که روزه‌اش را بشکند اگرچه عملاً این کار را هم نکند بازهم روزه‌اش باطل است. به دلیل حدیث (قبول و صحت اعمال با نیات است و پذیرش و پاداش هرعمل بستگی به نیت آن دارد).

و قول امام شافعی و امام مالک رحمة الله علیهما نیزهمین است.

1. مرتد شدن: اگر شخص روزه‌دار دچار کفر یا یکی از نواقض اسلام شود روزه‌اش هم باطل می‌شود به دلیل این که انسان کافر و مرتد تمام اعمالش حبط وتباه می‌شود؛ مثلا اگر غیر خدا را به فریاد بطلبد و جهل نداشته باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.

اعمال مباحی که روزه را باطل نمی‌کند

1- افطار نکردن تا سحر. 2- حمام کردن: از ابوبکرهس روایت است که همانا رسول الله ج را در عرج (اسم مکانی است) دیدم در حالی که روزه بودند از شدت گرما و تشنگی بر سرشان آب می‌ریختند.[[33]](#footnote-33) و عایشه و ام سلمهب روایت کرده‌اند که رسول الله ج درروز (بعد از فجر) غسل می‌کردند و روزه بودند[[34]](#footnote-34). 3- احتلام شدن در روز. 4- صبح کردن در حالت جنابت. 5- خون دادن برای آزمایش و... 6- حجامت: رسول الله ج فرمودند: «روزه‌ی شخص حجامت کننده و شخصی که برایش انجام داده باطل است.»[[35]](#footnote-35) جمهور علما نظر بر منسوخ شدن این حدیث دارند چون رسول الله این حدیث را در اوایل فرموده‌اند واحادیث بعدی این موضوع را روشن می‌کند. ابن عباسب می‌فرماید: همانا رسول الله ج حجامت می‌کردند در حالی که ایشان روزه بودند.[[36]](#footnote-36) و ابو سعید خدریس می‌فرماید: رسول الله اجازه دادند به حجامت کردن برای شخص روزه دار.[[37]](#footnote-37) و در میان صحابه ابن عباس- ابوسعید- ابن مسعود- ام سلمه- حسین بن علی- عروة بن زبیر و سعید بن جبیر**ش** حجامت را باعث باطل شدن روزه ندانسته‌اند. 7- تزریق آمپول و مصرف قطره. 8- آب دادن به دهان و بینی در وضو: اگر در این هنگام آب بدون اراده ازحلق پایین برود اشکالی ندارد. از لقیط بن صبرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «در استنشاق (آب به بینی دادن) مبالغه کنید مگر این‌که روزه باشید»**[[38]](#footnote-38)**.

9- سیواک یا مسواک زدن. 10- مزه‌کردن غذا توسط آشپز برای نیاز و بدون آن‌که از گلویش پایین رود. 11- چرب‌کردن موی سر و پوست، عطر زدن و سرمه کشیدن بر چشم. 12- کوتاه کردن موی سر و گرفتن ناخن. 13- خوردن آب دهان به هر صورتی که باشد. 14- خون دماغ شدن. 15- استفاده از داروی غرغره (با آب نمک و....) دلیل کلی برای مباح بودن این موارد، نبودن دلیل از قرآن وسنت بر تحریم بودن آن‌ها است و اگر باعث باطل شدن روزه می‌شدند، در نصوص بیان می‌شد و خداوندﻷ می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيّٗا٦٤﴾ [مريم: 64] «پروردگارت هرگز فراموش‌کارنبوده است.» و هیچ فرقی بین انجام مواردی چون سیواک دادن آب به دهان و بینی دادن در وضو حمام‌کردن و خون‌دادن و... در اول روز و آخر روز نیست و کسانی که قائل به آن هستند دلیلی برای گفته خود ندارند.

روزه سنت

گرفتن روزه‌ی سنت اجر وثواب دارد و نگرفتن آن بدون عذاب و مجازات است وعبارتند از:

1. شش روز شوال: از ابوایوب انصاریس روایت است که رسوال الله ج فرمودند: «کسی که ماه رمضان وبه دنبال آن شش روزازماه شوال را روزه بگیرد مانند این است که یک سال کامل روزه گرفته باشد»**[[39]](#footnote-39)**.
2. روزه‌ی عرفه برای غیر حاجی: از ابو قتادهس روایت است که از رسول الله ج درباره‌ی روزه‌ی عرفه سوال شد، ایشان فرمودند: «روزه‌ی عرفه گناهان سال گذشته و سال جاری را از بین می‌برد»**[[40]](#footnote-40)**.
3. روز نهم محرم (تاسوعا) و روز دهم محرم (عاشورا): رسول الله ج روز عاشورا را روزه گرفتند و فرمودند اگر زنده بمانم سال آینده روز نهم را نیز روزه می‌گیرم.[[41]](#footnote-41) و درباره‌ی روزه‌ی عاشورا فرمودند: «گناهان سال گذشته را از بین می‌برد»[[42]](#footnote-42).
4. روزه‌ی ماه محرم: از ابوهریرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «بهترین وافضل ترین روزه بعد از ماه رمضان روزه‌ی ماه محرم است و بهترین نماز بعد از نمازهای فرض، نماز شب است»**[[43]](#footnote-43)**.
5. اکثر روزهای ماه شعبان: از عایشهل روایت است که رسول الله ج را ندیدم که ماهی را کامل روزه بگیرند مگر رمضان و ندیدم در هیچ‌کدام از ماه‌ها به اندازه‌ی شعبان روزه بگیرند.[[44]](#footnote-44)
6. دوشنبه وپنج شنبه هر هفته: از اسامه بن زیدب روایت است که رسول الله ج روز دوشنبه و پنج شنبه را روزه می‌گرفتند و می‌فرمودند: «اعمال بندگان دراین دو روز (پیش خدا) عرضه می‌شود»**[[45]](#footnote-45)**.
7. سه روز از هرماه (سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه قمری): از ابوذرس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «ای ابوذرهرگاه سه روزاز ماه را روزه گرفتی روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بگیر.»**[[46]](#footnote-46)** ابن عباسب روایت می‌کند که رسول الله ج در سفر و غیرآن روزه‌ی این سه روز را ترک نمی‌کردند.**[[47]](#footnote-47)**
8. نه روز اول ذی الحجه: رسول الله **ج** فرمودند: «اعمال (خیر) در ده روز اول ذی الحجه بیشترین ثواب را در طول سال دارد.»**[[48]](#footnote-48)** از هنیده بن خالد از همسرش از بعضی همسران رسول الله ج روایت شده که رسول الله ج نه روز (اول) ذی الحجه را روزه می‌گرفت.**[[49]](#footnote-49)** و روز دهم را به علت عید قربان روزه نبوده‌اند.
9. یک روز درمیان روزه گرفتن: از ابن عمرب روایت است که رسول الله ج فرمودند: «محبوب‌ترین روزه نزد خدا روزه‌ی داوود است که یک روز در میان روزه می‌گرفت[[50]](#footnote-50).

روزهایی که روزه‌گرفتن در آن نهی شده است

1- عید رمضان وعید قربان[[51]](#footnote-51). 2- ایام التشریق: سه روز بعد ازعید قربان (11-12-13) ذی الحجه (استناد به حدیث ابوداوود 2113). 3- روزه گرفتن جمعه به تنهایی: مگر این‌که روز قبل یا بعد ازآن نیز روزه بگیرد.[[52]](#footnote-52)

4- روزه گرفتن شنبه به تنهایی.**[[53]](#footnote-53)** اگر روز جمعه و شنبه مصادف با یکی از روزه‌های سنت مانند روز عرفه یا عاشورا و... بود، گرفتن آن به تنهایی اشکالی ندارد. 5- نیمه دوم شعبان برای کسی که درنیمه اول آن روزه نگرفته: اما اگر کسی یک یا چند روزی از نیمه اول را روزه بوده می‌تواند نیمه دوم هم روزه بگیرد.**[[54]](#footnote-54)**

6- یوم الشک: یعنی روزی که نمی‌دانی جزء رمضان است یا شعبان و در آن شک داری.[[55]](#footnote-55) 7- یک یا دو روز مانده به رمضان: به استقبال رمضان رفتن.**[[56]](#footnote-56)** این دو روز با یوم الشک فرق می‌کند؛ چون میدانی که رمضان فرا نرسیده است و گرفتن این دو روز هم برای کسی جایز است که این دو روز مصادف با روزهای دوشنبه یا پنج شنبه باشد و او هم عادت به گرفتن روزه‌ی دوشنبه و پبج شنبه داشته باشد یا عادت به گرفتن روزه یک روز در میان داشته باشد.

8- روزه تمام سال: اگرچه در ایام نهی شده روزه نگیرد.[[57]](#footnote-57)

و نهی شده است که زن روزه سنت بگیرد هرگاه شوهرش در خانه باشد مگر به اجازه او**[[58]](#footnote-58)**.

روزه گرفتن در ماه رجب در سنت وارد نیست مگر روزهایی که سنت هستند و در تمام ماه‌ها گرفته می‌شوند ابن عباس

ابن عمر**ب** از گرفتن روزه‌ی ماه رجب بجز روزهایی که روزه گرفتن در آن‌ها سنت است، نهی کرده‌اند.

(صحیح، ابن ابی شیبه 102/3 - عبدالرزاق 7854).

قضای روزه

قضای روزه رمضان برمریض، مسافر و زنی که در حیض ونفاس بوده واجب است وبهتر است شخص تا آخرشعبان آینده روزه‌اش را قضا کند. در قضای روزه لازم نیست حتما پشت سر هم گرفته شود و این قول ابن عباس و ابوهریره و انس بن مالکش است[[59]](#footnote-59).

و همچنان که قبلا ذکر گردید بر پیر مرد و پیرزن و مریض همیشگی و زن حامله و شیرده قضا لازم نیست و فقط فدیه می‌دهند و کسی که تازه ایمان آورده و نیز شخص مرتدی که دوباره ایمان می‌آورد، روزه‌های فوت شده آن‌ها قضا ندارد و نیز شخصی که عمداً روزه نگرفته روزه‌اش قضا ندارد؛ چون دلیلی از نصوص بر آن نیست.

 کسی که فوت کرده و قضای روزه رمضان بر گردنش بوده، بر ولیش لازم است کفاره آن را بپردازد و قضای روزه آن لازم نیست اما اگر کسی فوت کرد و روزه‌ی نذر برگردنش بود باید ولیش آن را قضا کند: از ابن عمرب به صورت مرفوع روایت شده که:

 هر کس فوت کرد و قضای روزه (رمضان) بر گردنش بود به ازای هر روزمسکینی را طعام دهند.[[60]](#footnote-60)

از عمرةس روایت است که: مادرش فوت کرد و روزه‌ی رمضان بر گردنش بود و از عایشهل سوال کرد که آیا روزه‌ی مادرش را قضا کند؟ عائشهل گفت: نه، لازم نیست، بلکه برای هر روز مسکینی را طعام بده.[[61]](#footnote-61)

از ابن عباسب روایت است: اگر شخص فوت کرد و قضای روزه رمضان بر گردنش بود روزه‌اش را قضا نکنید بلکه به جای آن طعام بدهید و اگر روزه نذر بر گردنش بود باید ولیش روزه‌ی نذر را قضا کند.[[62]](#footnote-62)

و همچنین در احادیث امام احمد و ابوداوود مشخص شده که روزه‌ی رمضان شخص مرده قضا ندارد بلکه روزه‌ی نذر قضا دارد و این قول امام مالک و ابوحنیفه است. شکستن روزه‌ی سنت به هر دلیلی و با هرکدام از باطل کننده‌ها، نه قضا دارد و نه کفاره.

زکات فطر (سرفطره)

حکم زکات فطر: زکات فطر بر هر مسلمانی (که بیش از قوت یک شبانه روز خود و خانواده‌اش را داشته باشد) واجب است.[[63]](#footnote-63) و رسول الله ج به دادن زکات فطر از کوچک و بزرگ و آزاد و برده و کسانی که نفقه آن‌ها بر عهده شما است امر فرموده.[[64]](#footnote-64)

حکمت زکات فطر: از ابن عباسب روایت است که رسول الله ج زکات فطر را به عنوان پاک کننده‌ی روزه دار از سخنان بیهوده و دشنام، به عنوان رزق و خوراکی برای مساکین واجب کرده است پس هرکس آن را قبل از نماز عید بدهد به عنوان زکات فطرمحسوب می‌شود و هرکس آن را بعد از نمازعید پرداخت کند صدقه‌ای است همچون سایر صدقات (و به عنوان زکات فطر محسوب نمی‌شود)[[65]](#footnote-65)

مقدار زکات فطر: ابو سعید خدریس می‌فرماید: ما درزمان رسول الله ج یک صاع از گندم یا جو یا خرما یا کشک یا کشمش را برای هر نفر زکات فطر می‌دادیم.[[66]](#footnote-66)

و در حدیث دیگری می‌فرماید: ما یک صاع از طعام خود را در عهد رسول الله ج به عنوان زکات فطر می‌دادیم.[[67]](#footnote-67)

پس روشن می‌شود که زکات فطر باید یک صاع از طعام باشد و هر صاع برابر با چهار مد است.

و به ( 2کیلو و400گرم تا 2 کیلو و500گرم) تعبیر شده است واین قول علمای مذهب شافعی و بعضی دیگر است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه/ می‌فرماید: زکات فطر پرداخت می‌شود از قوت بلد (منطقه) مانند برنج وغیره، اگرچه شخص توان پرداخت موارد مذکور در حدیث را هم داشته باشد و این قول اکثر علما و اصح اقوال است، که همانا اصل در دادن آن مساوات و برابری با فقرا است.**[[68]](#footnote-68)**

ابن قیم جوزی/ می‌فرماید: این چند مورد از حبوبات (گندم- جو- خرما و...) که در احادیث آمده نشانگر آن است که در آن زمان در مدینه (قوت) غذای غالب مردم همین چیزها بوده و اگر درجایی یا زمانی دیگر قوت غالب چیز دیگری باشد باید از آن بپردازند اگرچه غذای‌شان غیر از حبوبات مثل شیر و گوشت و ماهی باشد و این قول جمهور علما و قول ارجح است و مقصود از پرداخت زکات فطر یکسانی با مساکین است، درطعام روزعید، یعنی غذای مسکین هم درآن روز همانند بقیه مردم باشد.[[69]](#footnote-69)

و این ردی است بر عمل کسانی که فقط به دادن گندم بسنده می‌کنند و خودشان از بهترین طعام در طول سال وروز عید استفاده می‌کنند و دادن پول به جای طعام به عنوان زکات فطر مخالفت صریح با نصوص است چون زکات فطر عبادت است و اصل در عبادت توقیفی بودن است و خدا و رسولش ج حکمت آن را بهتر می‌دانند.

امام نووی/ می‌فرماید: عامه فقها دادن قیمت (پول) به جای طعام را جایز ندانسته‌اند؛ چون اگر دادن پول جایز می‌بود، خدا و رسول ج آن را بیان می‌فرمودند.[[70]](#footnote-70) واین قول امام شافعی وامام احمد و امام مالک رحمه الله علیهم است.

زمان پرداخت زکات فطر: از ابن عمرب روایت است: رسول الله ج دستور داد تا زکات فطر قبل ازخروج مردم برای نمازعید، پرداخت شود.[[71]](#footnote-71)

و در سنت آمده که زکات فطر یک یا دو روز مانده به عید به کسی که مستحق آن است پرداخت شود.[[72]](#footnote-72)

زکات فطر به چه کسانی داده می‌شود: زکات فطر به مساکین داده می‌شود به دلیل فرموده‌ی رسول الله ج: «زکات فطر رزق وخوراکی برای مساکین است.»**[[73]](#footnote-73)**

وآخر دعوانا ان الحمدالله رب العالمین، نسال الله ان ینفعنا وینفع اخواننا المسلمین بهذه الرسالة، انه سمیع مجیب الدعاء، وصلی الله وسلم علی محمد وعلی آله واصحابه واتباعه.

بإحسان الی یوم الدین

منابع

1. مغنی المحتاج – الشیخ محمد الخطیب الشربینی.
2. السلسبیل فی معرفة الدلیل – شیخ صالح بن ابراهیم البلیهی.
3. الادلة الرضیة – محمد صبحی حسن الحلاق.
4. الوجیزفی فقه السنة والکتاب العزیز – عبدالعظیم بن بدوی.
5. صحیح فقه السنة – ابو مالک کمال سید سالم.
6. سبل السلام الموصلة الی بلوغ المرام – الامیر الصنعانی.
7. توضیح الاحکام من بلوغ المرام – عبدالله بن عبدالرحمن البسام.
8. الموسوعة الفقهیة المیسرة فی فقه الکتاب والسنة المطهرة- حسین بن عودة العوایشة.
9. تمام المنة فی فقه الکتاب وصحیح السنة – عادل بن یوسف العزازی.
10. فقه السنة – سید سابق.
11. الملخص الفقهی – صالح بن فوزان آل فوزان.
12. تیسیر العلام شرح عمدة الاحکام – عبدالله بن عبدالرحمن البسام.
1. - به روایت بخاری: 1904- مسلم: 1151. [↑](#footnote-ref-1)
2. - به روایت بخاری: 1901- مسلم: 760. [↑](#footnote-ref-2)
3. - به روایت مسلم: 233. [↑](#footnote-ref-3)
4. - به روایت بخاری: 1896- مسلم: 1152. [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحیح سنن ابن ماجه: 3514، الترمذی: 693. [↑](#footnote-ref-5)
6. - به روایت ابوداوود: 2052. [↑](#footnote-ref-6)
7. - به روایت بخاری: 1- مسلم: 1907. [↑](#footnote-ref-7)
8. - صحیح سنن ابوداوود: 2143- نسائی: 196/4. [↑](#footnote-ref-8)
9. - استناد به حدیث بیهقی (203/4) و بیهقی گفته است: اسناد آن صحیح است. [↑](#footnote-ref-9)
10. - روضة الطالبین (350/2). [↑](#footnote-ref-10)
11. - صحیح ابن حبان – صحیح الترغیب والترهیب: 1058. [↑](#footnote-ref-11)
12. - به روایت بخاری: 1923- مسلم: 1095. [↑](#footnote-ref-12)
13. - صحیح سنن ابوداوود: 2055. [↑](#footnote-ref-13)
14. - به روایت مسلم: 1096. [↑](#footnote-ref-14)
15. - صحیح سنن ابوداوود: 2060- صحیح جامع الصغیر: 607. [↑](#footnote-ref-15)
16. - به روایت بخاری: 1903. [↑](#footnote-ref-16)
17. - به روایت بخاری: 3220- مسلم: 2308. [↑](#footnote-ref-17)
18. - به روایت بخاری: 1957- مسلم: 1098. [↑](#footnote-ref-18)
19. - صحیح سنن ابوداوود: 2066. [↑](#footnote-ref-19)
20. - صحیح سنن ابوداوود: 2065. [↑](#footnote-ref-20)
21. - به روایت ترمذی و نسائی- صحیح الترغیب والترهیب: 1065. [↑](#footnote-ref-21)
22. - به روایت ابو داوود: 3854- ابن ماجه: 1747. [↑](#footnote-ref-22)
23. - به روایت بخاری: 4505- الاءرواءالغلیل: 912. [↑](#footnote-ref-23)
24. - صحیح، النسائی (191/4) - البیهقی (230/4) - الاءرواء الغلیل: 912. [↑](#footnote-ref-24)
25. - صحیح،رواه الدارقطنی (205/2) - الاءرواء الغلیل (21/4). [↑](#footnote-ref-25)
26. - صحیح، رواه الدارقطنی (206/2) - الاءرواء الغلیل (19/4)، دار قطنی گفته است: اسناد آن صحیح است. [↑](#footnote-ref-26)
27. - صحیح؛ به روایت دارقطنی (207/2)- الإرواء الغلیل (20/4) البانی گفته: سند آن جید است. [↑](#footnote-ref-27)
28. - صحیح، الهیثمی (164/3) طبرانی در الکبیر (1/214/675). [↑](#footnote-ref-28)
29. - به روایت بخاری (1923)- مسلم: (1155). [↑](#footnote-ref-29)
30. - صحیح، به روایت ابن ابی شیبه (9784). [↑](#footnote-ref-30)
31. - المحلی (180/6) مسئله: 735. [↑](#footnote-ref-31)
32. - صحیح سنن ابو داوود: 2088- صحیح سنن الترمذی: 577. [↑](#footnote-ref-32)
33. - صحیح سنن ابوداوود: 2072. [↑](#footnote-ref-33)
34. - به روایت بخاری: 1925- مسلم: 1109. [↑](#footnote-ref-34)
35. - صحیح، الترمذی: 774، ابوداوود: 2367. [↑](#footnote-ref-35)
36. - به روایت بخاری: 1939. [↑](#footnote-ref-36)
37. - صحیح، مصنف ابن ابی شیبه (3/51-53) الاءرواء الغلیل (74/4). [↑](#footnote-ref-37)
38. - صحیح سنن ابوداوود: 129. [↑](#footnote-ref-38)
39. - به روایت مسلم 1164. [↑](#footnote-ref-39)
40. - به روایت مسلم: 1162. [↑](#footnote-ref-40)
41. - مسلم: 1134. [↑](#footnote-ref-41)
42. - مسلم: 1162. [↑](#footnote-ref-42)
43. - مسلم: 1163، ابو داوود: 2122. [↑](#footnote-ref-43)
44. - بخاری: 1969، مسلم: 1156. [↑](#footnote-ref-44)
45. - صحیح سنن ابوداوود: 2128. [↑](#footnote-ref-45)
46. - صحیح سنن الترمذی: 608، النسائی: 2279. [↑](#footnote-ref-46)
47. - نسائی (198/4). [↑](#footnote-ref-47)
48. - بخاری: 969. [↑](#footnote-ref-48)
49. - بخاری: 1990، مسلم: 1137، ابوداوود: 2420. [↑](#footnote-ref-49)
50. - بخاری: 1131، مسلم: 1159. [↑](#footnote-ref-50)
51. - بخاری: 1990، مسلم: 1137. [↑](#footnote-ref-51)
52. - بخاری: 1985، مسلم: 1144. [↑](#footnote-ref-52)
53. - ترمذی: 744، صحیح سنن ابن ماجه: 1403. [↑](#footnote-ref-53)
54. - صحیح سنن ابن ماجه: 1339، سنن ابو داوود: 2049. [↑](#footnote-ref-54)
55. - صحیح ابو داوود: 2046. [↑](#footnote-ref-55)
56. - بخاری: 1914، مسلم: 1082. [↑](#footnote-ref-56)
57. - بخاری: 1979، مسلم: 1159. [↑](#footnote-ref-57)
58. - بخاری: 5192، مسلم: 1026. [↑](#footnote-ref-58)
59. - صحیح، البیهقی: 258/4، الاءرواءالغلیل: (95/4). [↑](#footnote-ref-59)
60. - صحیح الترمذی: 718. [↑](#footnote-ref-60)
61. - صحیح،طحاوی در مشکل الآثار (142/2)، ابن حزم در المحلی (7/4). [↑](#footnote-ref-61)
62. - صحیح، ابوداوود: 2401، ابن ابی شیبه (113/3). [↑](#footnote-ref-62)
63. - به روایت بخاری: 1503، مسلم:984. [↑](#footnote-ref-63)
64. - صحیح، دارالقطنی: 220، بیهقی: (161/4)، الإرواءالغلیل: 835. [↑](#footnote-ref-64)
65. - صحیح سنن ابن ماجه: 1480، ابوداوود: 1594. [↑](#footnote-ref-65)
66. - بخاری: 1505، مسلم: 985. [↑](#footnote-ref-66)
67. - بخاری: 1510. [↑](#footnote-ref-67)
68. - الفتاوی الکبری (455/4). [↑](#footnote-ref-68)
69. - اعلام الموقعین (3/12). [↑](#footnote-ref-69)
70. - شرح امام نووی بر صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-70)
71. - بخاری: 1503، مسلم: 984. [↑](#footnote-ref-71)
72. - بخاری: 1511. [↑](#footnote-ref-72)
73. - صحیح سنن ابن ماجه: 1480، ابو داوود: 1594. [↑](#footnote-ref-73)